



## هفتم ثور، کودتای منحوس خلقی و پرچمی

و

### پیامد های شوم و عواقب دردناک آن

چهل و هفت سال قبل از امروز یک تعداد زیردارگریختگی های بی ننگ و بی وجدان حزب کمونیست خلق - پرچم (همه اعضای آن حزب منفور و مردود بی ننگ و بی وجدان بودند) با کمک بادران روسی شان دست به کودتای خونین زده، اولین رئیس جمهور افغانستان را که آرزوی پیشرفت و ترقی افغانستان را در سر می پرورانید، با تمام اعضای فامیلش به شهادت رساندند، جوی های خون را در سرک های کابل سرازیر کردند، از کشته ها پشته ها ساختند و نامش را انقلاب برگشت ناپذیر گذاشتند.

این زیردارگریختگی های بی ننگ و بی آبرو که از بدو تأسیس حزب منحلّه و ناکام شان، آرزو داشتند که افغانستان سربلند را نیز جز اقمار اتحاد جماهیر اشتراکیّه شوروی سوسیالیستی ساخته و مانند دیگر روسای ممالک آسیای میانه که در اشغال روسیه بودند، به نام های ببرک اوف، نجیب اوف، امین اوف و نوراف با سر خمیده و وجدان فروخته شده، و با نوشیدن ودکای بی غیرتی مست و مدهوش به پرستیدن لنین، استالین، برژنیف و... پرداخته، نام نامی افغانستان آزاد و سربلند را از صفحات تاریخ محو و نابود کنند.

اما و مگر این کثافت ها فکر کردند که با کشتن و بستن و شکنجه دادن مردم سلحشور و آزادمنش افغانستان را خاموش خواهند ساخت، کور خوانده بودند. ملت با شهامت و دلیر افغان پُوز های نوکران و بادران شان را به خاک مالیده و وطن را از دست شوروی جنایت کار و نوکران ابله شان نجات دادند.

وطنداران محترم از خواندن چند سطریکه جهت یاد و بود آن روز سیاه تاریخ وطن که همانا کودتای منفور و مردود و ناکام خلق و پرچم است، خسته نشوید، نباید هیچ گاهی این جنایت فراموش شود، زیرا تا جهان و افغانستان وجود دارد، اعمال این نوکران فروخته شده را نباید از یاد برد زیرا چهل و هفت

سال است که وطن و ملت در بربادی و ناآرامی بسر می برد، از طرف دیگر برای یک قرن افغانستان از پیشرفت و ترقی باز ماند و هنوز هم آینده نامعلوم در پیشرو دارد.

چیز دیگری که باعث انزجار از تفاله های باقیمانده این وطن فروشان می گردد، این است که این تفاله های باقیمانده حزب جنایت کار و از خدا بی خبر با دیده درایی که مختص شان است همه روزه در وبسایت ها مضمون می نویسند و تبلیغ می کنند و حتی یکبار هم که شده از کرده خود اظهار پشیمانی و ندامت نکرده و حتی یکی از آن ها هم حاضر نشد که از فامیل شهدا و از فامیل هائی که عزیزان شان را بدون گناه بردند و نیست و نابود کردند، معذرت نخواستند و از جنایاتی که مرتکب گردیدند، اظهار ندامت نکردند. برعکس بدون هیچ نوع عذاب وجدان (وجدان که نباشد، عذاب وجدان هم بی معنی و بی مفهوم می شود) به دفاع از کردار و رفتار خود و سران حزب خود می پردازند و می خواهند قهرمان سازی نیز بکنند که شرم و ننگ شان باد.

